

جلو‌های مصرف آب و نان در فرهنگ مردم با رویکرد ارزشی

شهرزاد دوستی^۱
شایسته بهرامی سامانی^۲

چکیده

فرهنگ یک جامعه، نشان‌دهنده تفکر، احساس، اعمال، جهان‌بینی، شیوه‌ها و الگوهای رفتاری مردم در تولیدات مادی و غیرمادی است. مصرف به عنوان یکی از الگوهای رفتاری مردم متأثر از آداب و سنن، آموزه‌های دینی، سلیق، تبلیغات و سایر جنبه‌ها است. از جمله مهم‌ترین مصادیق مصرف در زندگی انسان آب و نان است که جایگاه والایی در فرهنگ مردم ایران دارند. شناخت و بررسی اعتقادات، اشعار، مثل‌ها، دعاها و تمثیل‌ها اهمیت این دو نعمت را در فرهنگ عامه متجلی ساخته و نقش به‌سزایی در چگونگی شکل‌گیری یک الگوی صحیح مصرفی، تصحیح، تعدیل و تغییر آن الگو ایفا می‌کند. بنابراین جهت ترسیم یک الگوی مصرفی مطلوب می‌توان به فرهنگ عامه مراجعه کرد. بویژه آن‌که امروزه شیوه مصرف آب و نان از بارزترین مصادیق اسراف هستند. رسانه می‌تواند با استفاده از باورهای رایج در مورد مصرف این دو ماده حیاتی در حفظ منابع طبیعی مؤثر واقع شود. به طور مثال می‌توان در قالب برنامه‌های مستند، مستند گزارشی و ترکیبی به وجوه بکر مصرف آب و نان پرداخت یا در برنامه‌های گفتگو محور مانند میزگردهای کارشناسی یا برنامه‌های مجری محور از داده‌های موجود در این زمینه بهره‌برداری کرد.

کلیدواژه‌ها: آب، نان، الگوی مصرف، فرهنگ مردم، آموزه‌های دینی

۱. کارشناس ارشد پژوهش علوم اجتماعی و پژوهشگر واحد فرهنگ مردم مرکز تحقیقات صدا و سیما
doosti43@gmail.com

bahrami54@gmail.com

۲. کارشناس فلسفه

مقدمه

سنن، آداب و رسوم و اعتقادات از عناصر فرهنگی قوام بخش به بنیادهای جامعه هستند. فرهنگ، عموم جنبه‌ها و عرصه‌های زندگی مردم را تحت تأثیر قرار می‌دهد و شیوه‌های رفتاری، آداب و رسوم، سنن دیرپا، باورها و ارزش‌هایی که در جامعه وجود دارد به فرهنگ برمی‌گردد پس می‌توان گفت فرهنگ تعیین‌کننده چگونگی تفکر و احساس اعضای جامعه است و راهنمای اعمال انسان‌ها و معرف جهان‌بینی آنها در زندگی است. همچنین مجموعه‌ای از معانی مشترک است که این معانی مشترک، ارزش‌ها، اصول، شیوه‌های رفتار و تولیدات مادی و غیرمادی را شامل می‌شود که نتیجه خلاقیت انسان در زمان‌ها و مکان‌های مختلف است. (عضدانلو، ۱۳۸۴: ۴۴۷) با مطالعه فرهنگ یک جامعه می‌توان رفتار آن جامعه را شناسایی کرد و این الگوهای خاص رفتاری است که یک جامعه را از جامعه دیگر جدا می‌سازد پس برای شناخت الگوی مصرف که یکی از انگاره‌های رفتار است باید به بررسی فرهنگ یک جامعه پرداخت. از جمله عوامل فرهنگی و اجتماعی تأثیرگذار بر الگوی مصرف همین آداب و سنن، ارزش‌های اجتماعی، آموزه‌های دینی، سلاقی و تبلیغات است.

از جمله مهم‌ترین مصادیق مصرف در زندگی انسان آب و نان می‌باشد که جایگاه والایی در فرهنگ مردم ایران دارند. در این مقاله به طور مختصر به جایگاه آب و نان در فرهنگ مردم اشاره می‌شود. چنان که می‌دانیم مهم‌ترین ماده تشکیل‌دهنده نان، گندم است که قدمت کشت آن دیرینگی پیوندش با انسان به نظام تغذیه و ویژگی تاریخی بخشیده است. همچنین مجموعه باورداشت‌های ذهنی پیرامون گندم گستره نفوذ آن را تبدیل به چیزی بیش از عامل تغذیه برای انسان کرده است. گندم در فرهنگ ایرانی از جایگاه والایی برخوردار می‌باشد. قداست و

احترام به نان را نمی‌توان جدا از نگرش قدسی به گندم فرض کرد. چنان که این امر در تمامی



مراحل کاشت، داشت و برداشت و حتی در مواد غذایی که از آن تهیه می‌شود، وجود دارد مثلاً در آذربایجان شرقی از بین رفتن برکت زمین یک کشاورز را حاصل بی‌توجهی او به کشت گندم می‌دانند یا در همدان سمنوی تهیه شده از گندم را نزد افراد ناپاک نمی‌برند. از این رو می‌توان گفت این نوع نگاه ارزشی به گندم تأثیر مثبت در اتخاذ رفتاری مناسب با نان داشته است. پس با شناخت جایگاه نان در فرهنگ مردم می‌توان رفتارهای درست را با این مائده آسمانی احیا و حفظ کرد.

آب نیز یکی از عناصر اربعه است و در هر منطقه‌ای به عنوان یک سرمایه ارزشمند محسوب می‌شود و دارای چنان ارزشی است که زندگی انسان به آن بستگی دارد. ایران سرزمینی است که در ناحیه خشک و نیمه خشک قرار گرفته و بارندگی کم، بهره کمی از آب‌های شیرین را نصیب آن کرده است. پس شناخت جایگاه آب در فرهنگ مردم گویای ارزش اعتباری است که آب در بین مردم این سرزمین دارد. از آنجا که زندگی مردم وابسته به نان و آب است و مردم برای آن احترام و ارزش خاصی قائلند، شناخت اعتقادات، اشعار، مثل‌ها و دیگر عناصر فرهنگ مردم برای همگان مفید است.

الگوی مصرف

مصرف به معنای استفاده و کاربرد کالاها و خدمات برای رفع نیازهای اقتصادی، اجتماعی

و فرهنگی است (نوریان، ۱۳۸۳: ۷) و اصلاح الگوی مصرف به معنی نهادینه کردن روش صحیح استفاده از منابع است. الگوی مصرف کنونی چندان متناسب با منافع ملی و امکانات و تولیدات داخلی و متناسب با درآمد و منافع اکثر خانواده‌ها نیست. عوامل فرهنگی و اجتماعی متعددی در شکل‌گیری الگوی مصرف تأثیرگذار هستند، آموزه‌های دینی، آداب، سنن، ارزش‌های اجتماعی، سلاقی، سطح سواد و تبلیغات از عوامل فرهنگی و اجتماعی مؤثر بر الگوی مصرف هستند.

آب و تمدن

آب، مهم‌ترین عامل حفظ حیات موجودات است. آب برای آبیاری مزارع، مصارف خانگی، صنعتی، تجاری و تولید مواد غذایی بسیار ضروری است. این کالای گرانبها ارزشی به اندازه حیات دارد. آبیاری زمین‌های قابل کشت، افزایش جمعیت و تراکم آن در نواحی مساعد طبیعی باعث پیدایش شهرها می‌شود.

وقتی از منظر میراث فرهنگی یعنی همان بخش مغفول در موضوع نسبت انسان و آب به این امر نگاه می‌کنیم، پیش از این که یاد آب بیفتیم یاد تشنگی می‌افتیم. این تمنای آب است که تمدن‌ساز بوده است نه خود وجود آب، چرا که هر جا آب فراوان‌تر است تمهیدات مختلف مربوط به آب کمتر است و هر جا تمنای آب وجود دارد، شاهد خلاقیت‌ها، ابتکارات و اقدامات هوشمندانه مهندسی هستیم. در بعضی مواقع بویژه در سرزمین ایران نیز شاهد شاعری و توجه به ملکوت آب هستیم، نوعی نگاه معنوی به آب، پیش از آن که محصول آب باشد، محصول تشنگی و تمنای آب است. البته در بسیاری از مناطق کم‌آبی و تشنگی وجود دارد، اما در سرزمین ایران این تشنگی و عطش، تمدن‌ساز شده است. (بهشتی، ۱۳۸۳: ۲۲)

جایگاه آب در فرهنگ مردم ایران

ارزش‌گذاری به آب در ایران تاریخچه‌ای طولانی دارد. واقعیت آن است که نیاکان ما ارزش و اهمیت آب را از گذشته‌های دور درک کرده و بهره‌برداری درستی از آب داشته‌اند به گونه‌ای که هرودت مورخ یونانی در این باره می‌نویسد: «ایرانیان رود را آلوده نمی‌کنند و در آب تفوی نمی‌اندازند، در آن دست نمی‌شویند، متحمل هم نمی‌شوند که دیگری آن را به کثافتی آلوده کند و احترامات بسیاری به آب منظور می‌دارند.» (صداقت‌کیش، ۱۳۷۹: ۱۵)

استرابون جغرافی‌دان یونانی می‌نویسد: «ایرانیان در آب جاری استحمام نمی‌کنند، در آن لاشه یا مردار نمی‌اندازند، عموماً آنچه ناپاک است در آن نمی‌ریزند، وقتی که ایرانیان می‌خواهند نذر و فدیة بفرستند به کنار دریاچه، چشمه یا جویبار می‌روند، در کنار آن خندقی حفر نموده قربانی می‌کنند، بخصوص احتیاط می‌کنند که آب را به خون نیالایند.» (فرجی، ۱۳۷۴: ۸۷) اما امروزه متأسفانه گسترش شهرنشینی و تغییر سبک زندگی سبب دگرگونی در ارزش‌های آب شده است به گونه‌ای که آب نه تنها کمیت و کیفیت طبیعی خود را از دست



داده و بهره‌برداری از آن تا حدودی از مسیر اصلی آن منحرف شده عاملی برای بروز بحران شده است.

شرایط اقلیمی سرزمین ما ایران و کمبود آب موجب شده تا ایرانیان برای آب ارزش و اهمیت ویژه‌ای قایل شوند. قبل از ورود اسلام به ایران، آب در آیین زرتشت مقدس بوده و از جایگاه والایی برخوردار بوده است.

پس از ورود اسلام به ایران به خاطر جایگاه ویژه آب در اسلام، آب حرمت و جایگاه بیشتری

یافت. وقایع تاریخی کربلا نیز بر ارزش و حرمت آب در بین ایرانیان افزوده است. همچنین با سقایی، علاوه بر یادآوری تشنگی امام حسین(ع) و یاران او در میدان کربلا، آب به تشنه‌لبان هدیه می‌دهند و بدین وسیله آنان را سیراب می‌کنند. از این رو هنگام نوشیدن آب با یاد امام حسین(ع) و یاران او می‌افتند و زیر لب زمزمه می‌کنند: «سلام بر حسین و لعنت بر یزید.» همچنین این باور وجود دارد که آب آبادانی است و هرگاه ظرف آبی واژگون شود، آن را مایه روشنایی می‌دانند. برای بدرقه مسافران پشت سر او آب می‌ریزند و در جشن‌ها و مراسم مختلف از آن استفاده می‌کنند، مثلاً آب را بر سر سفره هفت سین یا سفره عقد می‌گذارند. برای نظافت و پاکیزگی از آب استفاده می‌کنند.

مفهوم غذا و زندگی؛ معنای گندم و نان

تردیدی وجود ندارد که شیوه معیشت تأثیری شگرف بر شیوه زندگی، ایدئولوژی و اعتقادات افراد نسبت به جهان پیرامون دارد. غذاهای گوناگون مصرفی ما به عنوان عناصری فرهنگی نقش مهمی در زندگی زیستی و اجتماعی داشته و تعیین‌کننده شیوه زندگی، طبقه اجتماعی و نوع هویت ما و جامعه‌ای است که در آن زندگی می‌کنیم. باورها و ایدئولوژی‌ها به نوبه خود بخشی از هویت افراد را تشکیل می‌دهد. به همین دلیل مطالعه شیوه معیشت و نوع تغذیه جوامع و اعتقادات پیرامون مواد غذایی، شاخصی مهم در پی بردن به فرهنگ هر جامعه و تنوع فرهنگی میان اقوام مختلف است. شیوه‌های گوناگون معیشت و نوع محصولات کشاورزی سبب می‌گردد تا برخی همچون ایرانیان برای گندم و نان ارزش فراوانی قائل شده و آن را نماد برکت به شمار آورند.

مفهوم غذا و زندگی که مهم‌ترین معنای گندم و نان برای بشر در تمامی دوره‌ها بوده است سبب گردیده تا بشر همواره نسبت به نان ادای احترام کند و اعتقادات بسیاری حول محور گندم و نان ایجاد گردد.

نان حیاتی‌ترین و ضروری‌ترین نوع غذاست. به معنای واقعی نان در بیشتر مواقع عامل بنیادی و اساسی در حفظ و بقای بشر است. برای برخی وعده غذایی بدون نان کامل نمی‌شود و برای برخی دیگر نان نوعی وعده غذایی است. (www.magiran.com)

جایگاه نان در فرهنگ مردم ایران

نان در نزد ایرانیان بسیار محترم بوده و غذای اصلی مردم را تشکیل می‌داده است. در واقع نان گندم، نماد و مظهر باروری و برکت بود که به انسان نیرو و حرکت می‌بخشید، امروزه نیز، نیمی از انرژی مصرفی روزانه مردم از طریق نان و گندم تأمین می‌شود و این ماده در مقایسه با سایر مواد از انرژی غذایی بیشتری برخوردار است. علاوه بر این نان گاهی به عنوان یک وعده غذایی و گاهی به عنوان کمک غذا استفاده می‌شود.



در فرهنگ ایرانی نان، برکت خوانده می‌شود و همین ویژگی باعث شده است تا در جشن‌ها و آیین‌ها جایگاه ویژه‌ای بیابد. در سفره‌های عقد و هفت‌سین نوروزی نان نماد برکت و روزی است. همچنین در برخی مناطق از نان به عنوان نذر استفاده می‌کنند.

تجلی آب و نان در باورهای مردم

آب و نان به واسطه جایگاه والایی که در آموزه‌های دینی دارد، در بین مردم نیز از جایگاه ارزشمندی برخوردار است، در این بخش به جایگاه این دو عنصر در برخی شاخه‌های ادبیات شفاهی می‌پردازیم که شامل تمثیل‌ها و مثل‌ها، مثل، دعا، ترانه و معتقدات می‌باشد.

تمثیل و مثل

ضرب‌المثل عبارت است از جمله‌ها، سخنان کوتاه، کلمات، مصع‌ها یا ابیاتی کوتاه که مفاهیم فراوان اخلاقی، اجتماعی، اندرزها و رهنمودهای زندگی را بیان می‌کند و دارای معنا و مفهومی کنایی و کاربردی عام است و به دلیل جمله‌بندی‌ها ساده و روان، کوتاه و موزون و پرمغز به راحتی در ضمیرناخودآگاه جامعه می‌نشیند و برخلاف گفته‌های پرمطراق به سرعت در اذهان عامه منزل می‌گزیند. (دوستی، ۱۳۸۲: ۳۸)

تمثیل: بعضی از ضرب‌المثل‌ها قصه‌هایی دارند که علت معمول شدن مثل‌ها را در بین مردم بیان می‌کنند که باید به دقت گردآوری شوند تا منبع مثل‌ها معلوم باشد. (انجوی، ۱۳۷۱: ۱۲۹)

*آدم نان هر کس را نمی‌خورد.

در بیان پند و نصیحت گفته می‌شود. با کسی پیمان دوستی و نان و نمک ببند که در گرفتاری‌ها یار و مددکارت باشد

*به همه نان بده نان کسی را نخور.

تا می‌توانی و از دستت بر می‌آید به همه خوبی و نیکی کن اما وقتی خودت دچار مشکل شدی از هرکس طلب یاری نکن.

*آبم اینجا نانم اینجا کجا برم بهتر از اینجا.

چون داشتن آب و نان به معنی آسودگی است بنابراین در این ضرب‌المثل آب و نان کنایه از آرامش و راحتی است.

*نان خالی بخور خدایت را شکر کن.

اشاره به کامل بودن این رزق و تشویق انسان به بلندی طبع و قناعت و شکرگزاری خداوند و منت‌کشی از او و نه از دیگران است.

*هر که نان از عمل خویش خورد منت حاتم طایی نبرد.

اشاره به تشویق تلاش و کوشش در کسب روزی و استفاده از حاصل و دسترنج خویش و به این معنی که انسان با اتکا به تلاش خود منت دیگران را نمی‌برد.

*هرجا که هستی نونت گرم، آبت سرد باشد.

این ضرب‌المثلی است که بر اثر کثرت استعمال به صورت دعا استفاده می‌شود.

*نانت را با آب بخور منت آب دوغ مکش.

یعنی به آنچه خود داری قناعت کن.

*نه به آن خمیری نه به آن فتیری.

نفی افراط و تفریط در هر کاری، ضمن بیان ضرب‌المثل به مراحل مختلف پخت نان هم اشاره دارد.

*نان را به آب بینداز ماهی ندونه خدا می‌داند.

حاکمی پسری داشت، یک روز همین طور که پسر حاکم در رودخانه شنا می‌کرد، آب او را با خودش برد. حاکم دستور داد تا همه بگردند تا پسرش را پیدا کنند. بعد از چند روز جستجو پسر حاکم را زنده پیدا می‌کنند. حاکم از این که بعد از چند روز پسر زنده مانده و از گرسنگی نمرده تعجب کرد و از او پرسید: «این چند روز چه خوردی؟» پسر جواب داد: «هر روز یک گرد نان بر روی آب آمد و آن را می‌خوردم.» حاکم در پی آن بود که بداند چه کسی نان‌ها را بر روی آب انداخته، تا این که مردی را در حال انداختن نان در رودخانه پیدا می‌کنند. او را نزد حاکم می‌برند حاکم خلعت و انعام فراوانی به او می‌دهد و علت این کار را از او می‌پرسد فرد می‌گوید: نان را به دریا بینداز ماهی ندونه خالق می‌دونه.

مترادف تو نیکی می‌کن و در دجله انداز که ایزد در بیابانت دهد باز. (رضویان،

تکاب، ۱۳۵۱)

* اگر نان نباشد باید تره بخوری. (مجاوری، خلخال، ۱۳۸۵)

تأکید بر صرفه‌جویی در نان و توصیه به مصرف بهینه آن. همچنین در این ضرب‌المثل به جایگاه غذایی نان اشاره می‌کند که چنانچه در مصرف آن اسراف شود، با از دست دادن نعمت پاسخی به نیاز گرسنگی انسان داده نمی‌شود.

* ارزان شود نانت است، گران شود جانت است. (خضرای، ۱۳۸۲: ۱۱۰۶)

اشاره به صرفه‌جویی در مصرف گندم و تأکید بر این که اسراف و تبذیر در استفاده از آن موجب ضرر و زیان انسان است، بنابراین با استفاده مناسب از این نعمت خداوند، انسان سختی‌ها و آسانی‌ها را با سربلندی پشت سر می‌گذارد.



* خانه‌ای که در آن آب نباشد برکت نیست.

اشاره به جایگاه و ارزش آب دارد.

* آب و برکت هر دو برادرند.

تأکید به جایگاه و ارزش آب می‌نماید. (قرنجیک، ۱۳۷۱: ۱۰۱)

* آب آبادانی است.

تأکید بر اهمیت و جایگاه و ارزش والای آب که هرکجا باشد زندگی و حیات وجود دارد.

* آب روشنایی است.

اشاره به اهمیت و ارزش آب دارد، این ضرب‌المثل وقتی به کار می‌رود که ظرف آب واژگون گردد.

متل

متل‌ها قصه‌های کوتاهی هستند با مضامین لطیف و سرگرم کننده و آموزنده که همه یا قسمتی از آن معمولاً به صورت شعر یا مقفع یا شبیه بحر طویل است. قهرمان متل‌ها بیشتر حیوانات هستند و گاهی انسان و سایر مظاهر طبیعت (جمادات) هم وجود دارند. (انجوی، ۱۳۷۱: ۱۳۰)

از میان متل‌هایی که وجود دارد به آوردن متل «دویدم و دویدم» بسنده می‌کنیم. این متل به دو مقوله آب و نان و جایگاه این دو برای رشد و ادامه حیات و جریان داشتن چرخه زندگی اشاره می‌کند.

دویدم و دویدم سر کوهی رسیدم
دو تا خاتون دیدم یکیش به من آب داد
یکیش به من نون داد نون رو خودم خوردم
آب و دادم به زمین زمین به من علف داد
علف و دادم به بزی بزی به من شیر داد
شیر را دادم به نانوا نانوا به من آتش داد

آتیش دادم به زرگر زرگر به من قیچی داد
قیچی را دادم به خیاط خیاط به من قبا داد
قبا را دادم به ملا ملا به من قرآن داد
قرآن دادم به بابام بابام به من خرما داد...

در مثل دویدم و دویدم از آب و نان، نام برده شده و نشان می‌دهد که این دو نعمت الهی چگونه در چرخه طبیعت ایفای نقش می‌کنند و انسان، حیوان و نبات به نوعی با این دو موهبت الهی پیوند خواستنی و ناگسستنی دارند. (دوستی، ۱۳۸۲: ۹۰)

دعا

دعا در لغت خواندن، کسی را صدا زدن و در اصطلاح خواندن بنده است خدای خویش را. خواه به منظور درخواست حاجتی از حوایج خویش یا صرفاً به خاطر برقرار کردن رابطه عبودیت. دعا ارتباط بنده است با خدای خویش به دل و به زبان که آن روح عبودیت است. (همان: ۱۱۵)

در این بخش سعی شده به اختصار دعاهایی آورده شود که در آن واژه‌های آب، نان و ملحقات آنها وجود دارد:

*/elahi nun-o- owt sofre šo/. الهی نون و اوت سفره شو.

الهی نون و آبت به سفره برود، یعنی الهی محتاج خلق‌الله نگردی. (گل محمدی،

دماوند، ۱۳۴۹)

* الهی آبت سرد باشد، نانت گرم.

ترانه

ترانه‌های عامیانه نوعی آوازخوانی است که از لحاظ گستردگی تقریباً جهان‌شمول است و آنها را می‌توان «مرحله ابتدایی شعر و موسیقی» دانست. گویا مردمان اولیه که حس الحان و اوزان را داشته‌اند، برای بیان احساسات خود این سبک ساده و بی‌تکلف را اختیار کرده‌اند. از طریق ترانه‌خوانی است که گروهی از مردم عواطف مشترکشان را به منصفه ظهور می‌رسانند یا از فشار کار جمعی می‌کاهند. (کارآمد هوتک، ۱۳۷۸: ۲۲) یا از طریق خواندن آنها ناراحتی‌ها و غم‌هایشان را فراموش می‌کنند و دل به مهر پروردگار می‌بندند. مانند ترانه‌هایی که بچه‌ها در روزهای کم‌آبی برای طلب باران و زیاد شدن آب، ساده و کودکانه می‌خوانند:

ترانه باران

چوپان پنیری می‌خواهد نان پنیری (فطیری) می‌خواهد
ای خدا باران کن باران آبشاران کن
اتالوی^۱ ما تشنه شده بر کوه و بر پشته شده (رفته)
آب غدیر (آبگیر) می‌خواهد چمچه شیر می‌خواهد
این نیم کوه (است) لاله‌زار آن نیم کوه (است) لاله‌زار
ای خدا باران کن بر چوب چوپانان کن

۱. این واژه برابر فارسی ندارد ولی در گویش بیرجندی گاه به مترس و مترسک که به آن داهول می‌گویند نیز اطلاق می‌گردد یعنی چیزی که در جالیزها و کشتزارها برای رماندن پرندگان و جانوران نصب می‌کنند.

چوپان پنیری می‌خواهد نان و پنیری (فطیری) می‌خواهد
ای خدا بباران کن بباران آبشاران کن
گندم در زیر خاک است از تشنگی هلاک است
باران می‌آید گل می‌شود گندم داران بی‌دل می‌شوند
یار بده تو باران

معتقدات

باورهای مردمی و اعتقادات ملی از آموزه‌های دینی نشأت گرفته است. در این قسمت برخی از این باورها و اعتقادات آمده است:

در اردبیل معتقدند اگر کسی خرده نانی را بر زمین اندازد یا در زمین ببیند و بر ندارد، دچار کفران نعمت می‌شود. بنابراین باید سریع نان را از زمین برداشته و در محلی دور از رفت و آمد یا در جیب یا در کنج دیوار قرار داد. همچنین عقیده دارند که در موقع خوردن نان نباید نام خدا فراموش شود زیرا برکت سفره، نان است و این بهترین نعمت ارزانی شده الهی است. (رزاقی چالگر، اردبیل، ۱۳۷۸)

در پیشوای ورامین موقعی که عروس را به خانه داماد می‌بردند مقداری نان و پنیر در دستمالی می‌گذاشتند و آن را به کمر عروس می‌بستند تا به خانه داماد ببرد چون معتقد بودند که عروس باید با خیر و برکت به خانه شوهر برود. (کریمی، ورامین، ۱۳۴۸)

در شهمیرزاد سمنان، مردم آب را مهریه حضرت فاطمه زهرا(س) می‌دانستند و معتقد بودند اگر کسی آب را آلوده یا کثیف کند، مرتکب گناه بزرگی شده است. (اسماعیل‌نژاد، شهمیرزاد، ۱۳۵۵)

قزوینی‌ها هرگز آب و نمک را بیهوده مصرف نمی‌کردند و اسراف را گناه می‌دانستند زیرا عقیده داشتند حضرت علی(ع) مهریه حضرت فاطمه(س) را آب و نمک قرار داده و نباید

مهریه دختر پیغمبر خدا را بیهوده مصرف کرد. (مافی، قزوین، ۱۳۴۸)

در اردبیل کسی که می‌خواست به سفر برود پشت سر او آب می‌پاشیدند و معتقد بودند به سلامت بازخواهد گشت. (دانش‌ور، اردبیل، ۱۳۴۷)

در تنکابن در اول هر ماه صبح زود با آب و قرآن وارد اتاق می‌شدند به این نیت که خیر و برکت در طول ماه بر ایشان فراوان باشد. (صالحی، تنکابن، ۱۳۵۰)

جمع‌بندی

رهبر معظم در اول فروردین ۸۸ در جوار حرم حضرت رضا(ع) خطاب به زائران و حاضران فرمودند: اسراف، هم لطمه اقتصادی می‌زند، هم لطمه فرهنگی می‌زند. وقتی جامعه‌ای دچار اسراف شد، از لحاظ فرهنگی نیز بر روی او تأثیرهای منفی می‌گذارد. بنابراین مسئله صرفه‌جویی و پرهیز از اسراف، فقط یک مسئله اقتصادی نیست، هم اقتصادی است، هم اجتماعی است هم فرهنگی است. (اسحاقی، ۱۳۸۸: ۷)

مصرف درست و به اندازه پشتوانه بزرگی برای اقتصاد هر جامعه است. اما متأسفانه در کشور ما با وجود تأکید آموزه‌های دینی و ملی بر مصرف بهینه و مزایای اقتصادی و معنوی آن، کمتر شاهد نمونه‌های عملی آن، هم در خانواده و هم در اجتماع هستیم.

این موضوع بیانگر آن بود که برای جهت‌دهی افکار و دادن آموزش‌های لازم به مردم، رسانه‌های جمعی، برنامه‌ریزان فرهنگی و دیگر مسئولان ذیربط کار زیادی نکرده‌اند و شایسته است برای اصلاح الگوی مصرف اقدام‌های مناسبی انجام شود و عبارتند از:

۱. توجه به اصول و ارزش‌های دینی و اخلاقی

اصول و ارزش‌های دینی و اخلاقی حاکم بر مصرف نقش تعیین‌کننده‌ای در تعیین و شناسایی الگوی مصرف دارند. هر چند الگوی مصرف بسته به زمان، مکان، افراد، شرایط خاص اقتصادی و فرهنگی و متغیرهای دیگر متفاوت می‌باشد اما اصول کلی و محدودیت‌های

تخصیص درآمد و مصرف، می‌تواند چارچوب کلی آن را مشخص سازد.

فرد و جامعه مسلمان، با توجه به اصول یاد شده و معیار قرارداد آن و با مقایسه الگوی مصرف خود با این معیارها، زمینه‌های انحراف از الگوی درست را بازشناسی و اصلاح می‌کند تا با ایجاد عدالت اجتماعی و رفاه نسبی، چشم‌انداز آرمانی اسلامی - ایرانی به دست آید.

۲. توجه به فرهنگ، آداب و رسوم و معتقدات مردم

هر جامعه‌ای براساس فرهنگ حاکم بر آن، آداب و رسوم، آیین‌ها، اشعار و معتقدات و باورهای در چند و چون مصرف دارد که الزامات اجتماعی، همگان را به رعایت آن وا می‌دارد و حتی مخالفت با آن، موجب ایجاد نوعی نفرت یا ذلت و خواری در دید عموم می‌گردد. به خوبی روشن است که هرگاه این آداب و رسوم، مخالفتی با شرع نداشته باشد، رعایت آن لازم خواهد بود.

انسان مصرف‌زده برای رفع نیازهای مصرفی «خویش» همه زندگی معنوی خود را در سودای رفع نیاز پدید آمده، در اثر تبلیغات، چشم هم‌چشمی‌ها، به فراموشی می‌سپارد و نتیجه آن برای جامعه صنعتی تولید بیشتر و سود بیشتر و اثبات سرمایه بیشتر است و در جامعه مصرف‌زده مسخ شده، روابط مهرآمیز فراموش شده و ترحم از یاد رفته و انواع آلودگی‌های زیست محیطی پدیدار شده است. (رزاقی، ۱۳۷۴: ۵۶-۵۵)

رسانه ملی می‌تواند با بررسی موشکافانه آن دسته از عناصر بینشی یا الگوهای رفتاری هنجارمند را که دارای پیامدهای مثبت برای استمرار حیات اجتماعی هستند، شناسایی و ترویج نماید. بی‌شک تغییر و تحول در اخلاق و عادت‌های مردم کار آسانی نیست که در یک مقطع زمانی محدود و با چند برنامه رسانه‌ای انجام شود بلکه نیازمند ساختن بستری مناسب با برنامه‌ریزی سنجیده و کارشناسی شده است.

منابع

الف) کتاب

۱. انجوی شیرازی، سیدابوالقاسم (۱۳۷۱) گذری و نظری بر فرهنگ مردم، تهران: اسپرک.
۲. خضریایی، امین (۱۳۸۲) فرهنگ نامه امثال و حکم ایرانی، شیراز: نوید شیراز.
۳. رزاقی، ابراهیم (۱۳۷۴) الگوی مصرف و تهاجم فرهنگی، تهران: چاپخش.
۴. صداقت کیش، جمشید (۱۳۷۹) آب‌های مقدس ایران، ج ۱، شیراز: انتشارات شرکت آب و فاضلاب.
۵. عضدانلو، حمید (۱۳۸۴) آشنایی با مفاهیم اساسی جامعه‌شناسی، تهران: نشر نی.
۶. فرجی، عبدالرضا (۱۳۷۴) جغرافیای اقتصادی ایران، کشاورزی، تهران: دانشگاه پیام نور.
۷. قرنجیک، زلیخا (۱۳۷۱) آب مایه حیات در حوزه رودخانه قره‌چای، سازمان میراث فرهنگی.
۸. نوریان، محمد (۱۳۸۳) الگوی مصرف در اسلام و غرب، قم: مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما.

ب) مقاله و پژوهش

۱. بهشتی، محمد (۱۳۸۳) «نگاه معنوی به آب» در: مجموعه مقاله‌های همایش بین‌المللی انسان و آب، تهران: پژوهشکده مردم‌شناسی سازمان میراث فرهنگی و گردشگری.
۲. دوستی، شهرزاد (۱۳۸۲) «جایگاه گندم و نان در فرهنگ مردم ایران»، گزارش پژوهشی، تهران: مرکز تحقیقات صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران.
۳. کارآمد، هوتک، آناهیتا (۱۳۷۸) ادبیات شفاهی، گزارش پژوهشی، تهران: مرکز تحقیقات صدا و سیما.

ج) اینترنت

۱. «مفهوم غذا و زندگی معنای گندم و نان» در:

www.magairan.com/npriew.asp?1p=7360576

د) فرهنگیاران

۱. اسماعیل نژاد، زهرا، شه میرزاد، سمنان، ۵۵/۱۱/۶
۲. دانش ور، یحیی، اردبیل، ۴۷/۹/۱۵
۳. رزاقی چالگر، مطلب، گیوی، کوثر، اردبیل، ۱۳۷۸
۴. رضویان، [بی نام]، تکاب، آذربایجان غربی، ۱۳۵۱
۵. صالحی، جمشید، تنکابن، مازندران، ۵۰/۸/۱۰
۶. کریمی، محسن، پیشوا، ورامین، تهران، ۴۸/۵/۱۹
۷. گل محمدی، حسن، کیلان، دماوند، تهران، ۱۳۴۹
۸. مافی، تورانی، قزوین، ۴۸/۳/۱۶
۹. مجاوری، محسن، کلور، خلخال، اردبیل، ۱۳۸۵
۱۰. میرسلیمی طالقانی، سیداسماعیل، ساوجبلاغ، تهران، ۱۳۵۷